

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما  
Tel:0046720077654

# ایسکرا ۶۷۰

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت  
www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۱ فروردین ۱۳۹۲، ۱۰ آوریل ۲۰۱۳

سرمدییر عبدل گلپریان

## فدرالیسم طرحی برای زنده نگه داشتن تخصیصات قومی مصاحبه ایسکرا با ناصر اصغری



ناصر اصغری

**ناصر اصغری:** طرح فدرالیسم ظاهراً جواب به ستمی است که بر بخشی از مردم تحت عنوان ستم ملی می رود. ستم ملی یک واقعیت عینی در جوامع امروزه سرمایه داری است که در بسیاری از کشورها هنوز بخشی از مردم با آن درگیرند. مبارزه برای رفع ستم ملی

**ایسکرا:** در مورد مسئله ملی و ستم ملی بحث زیاد است می خواهیم از زاویای دیگری به این مسئله بپردازیم. حکمت سیستم فدرالیسم در چه چیزی است که جریانات مدافع آن به ادعای خودشان خواهان چنین ساختاری برای رفع ستم ملی هستند؟

صفحه ۳

## زنده باد اول مه! زنده باد انقلاب کارگری!



کارگران!

یک اول مه دیگر فرا رسید و ما همچنان زیر سیطره یک اقلیت بی خاصیت و مفتخور بنام طبقه سرمایه دار قرار داریم. یک اول مه دیگر فرا رسید و تولید کنندگان تمام ثروتهای جامعه یعنی کارگران همچنان محروم ترین بخش جامعه اند. امسال حکومت اسلامی سرمایه داران با گستاخی تمام دستمزد یک پنجم خط فقر را برای ما رقم زده است، گرانی و فقر و فلاکت بیسابقه ای را بر توده کارگران و اکثریت عظیم مردم

صفحه ۲

## اول مه علیه دستمزدهای زیر خط فقر



عبدل گلپریان

این اقدام از سرپناه گرفته تا نان خالی سفره کارگران که قابل مقایسه با یک زندگی برده وار هم نیست، گلولی کل جامعه را می فشارد. از دستمزدهای گرو گرفته شده که بطور قطره چکانی ماهها هم از آن خبری نیست گرفته تا افزایش هر ساعت و هر ثانیه قیمت ابتدایی ترین مایحتاج زندگی مردم، تبدیل شدن اعتماد و تن فروشی به یک پدیده عادی و روزمره و سرایت آن در میان کودکان و نوجوانان و بلاخره تحمیل تمام معنا یک بی حقوقی مطلق به میلیونها انسان، شرایط و وضعیتی است که اسم آنرا گذاشته اند زندگی.

اما داستان فقر و فلاکت مردم تنها به آنچه که گفته شد خاتمه پیدا نمی کند. کارگران و اکثریت مردم از همان ماده ۴۱ قانون کار کذایی

صفحه ۲

در حالی به استقبال روز جهانی کارگر می رویم که معیشت و زندگی کارگران و ۹۹ درصد مردم زیر قوانین سود و سرمایه و در سایه ابزار سرکوبگرانه مشتی لاشخور، دزد و اوباش اسلامی روز بروز فلاکتبار تر می شود. گزارش و آمارهای منتشر شده رسمی و دولتی خبر از افزایش صد در صدی نیازمندیهای اساسی را منتشر کرده اند.

## سه تن از فعالین کارگری بازداشتی در شهر سنندج آزاد شدند

خانواده های آنان در مقابل مراجع مختلف دولتی، از جمله تجمع در مقابل زندان و دادگاه انقلاب اسلامی در این شهر امروز

صفحه ۴

بنا بر خبری که به کمپین برای آزادی کارگران زندانی رسیده است، بدنبال یک ماه اعتراضات گسترده علیه دستگیری فعالین کارگری در شهر سنندج و تجمعات هر روزه

صفحه ۲ فوراً به یاری مردم زلزله زده بوشهر بشتابیم

صفحه ۴ درباره "انتخابات" خرداد ۹۲

صفحه ۵ گزارشی از مراسم گرامیداشت و خاکسپاری رفیق عطاء محمد نژاد

صفحه ۷ مختصری از تاریخ یک دوره / عبدل گلپریان / بخش چهارم

صفحه ۸ بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران بیرامون ادامه اعتراضات به حداقل مزد مصوب



### نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

صفحه ۶ نسان نودیبیان

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ اول مه علیه دستمزدهای ...

مورد ادعای سود و سرمایه حاکمان اسلامی مبنی بر تعیین حداقل دستمزد متناسب با نرخ تورم هم بهرمنند نیستند. شرایط و اوضاع فلاکتبار زندگی اقتصادی مردم تنها مختص به روزها، ماهها و یا بیست و سی سال گذشته هم نیست. تحمیل این سیه روزی در ماهیت نظام سود و سرمایه و حکومتی نهفته است که از همان روزهای اول سرپروردنش با خود به همراه داشت.

نیازمندیهای ابتدایی و اولیه از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش پیدا می کند که سود حاصله از آن به جیب همین مفتخورها می رود، چپاولگران اسلامی خود اعتراف می کنند که حداقل تامین زندگی يك خانواده کارگری در ماه ۲ میلیون تومان است اما مبلغ ۴۷۰ هزار تومان را که ماهها هم بدست کارگر و خانواده های کارگری نمی رسد برایش رقم زده اند. این وضع دیگر برای هیچ کس قابل دوام و قابل تحمل نیست. اگر سود و استثمار ارتجاع اسلامی سرمایه اینچنین تباهی مطلق را فراهم کرده است اما برای کارگران و مردم زیر خط فقر و گرسنگی تلاش و مبارزه برای زندگی، زنده ماندن و کنار زدن این تباهی از همان آغاز پیدایش این هیولا در جریان بوده است.

اول مه در راه است. در این روز مطالبات انسانی و پایمال شده خواست کارگران و همه مردم است. روز اعتراض به بردگی، روز اعتراض به نظم گندیده سرمایه داری و روز ابراز تنفر از حکومتی که جامعه ای را به تباهی کشانیده است. اول مه فرصتی است که باید با صدای بلند خواستار افزایش دستمزدها متناسب با سطح تورم شد. پرداخت حقوقهای معوقه، تعیین تکلیف بیمه کارگران در همه بخشها، برجیدن شرکتیهای پیمانکار، پایان دادن به قراردادهای موقت، اجرای قوانینی در ممانعت از کارهای سخت و زیان آور، حقوق بازنشستگان، خواست آزادی کارگران زندانی، همه زندانیان سیاسی و دهها خواست و مطالبه دیگر کارگران و

حاکمان اسلامی سرمایه از ابتدای بقدرت رسیدنشان برای استثمار، دزدی، فساد و چپاول هستی مردم تنها به کشتار فیزیکی مردم معترض و اعدامهای دسته جمعی که کثیف ترین کارنامه این حکومت بوده قناعت نکرده اند. وضع موجود به بیانی دیگر کشتار زندگی اقتصادی کارگران و مردم است. تحمیل نوعی از مرگ تدریجی که در هیچ دوره ای از تاریخ زندگی بشر سابقه نداشته است.

در خرداد، مهر و آذرماه ۹۱ فعالین و تشکلهای کارگری طومار سی هزار امضا را در اعتراض به دستمزدهای زیر خط گرسنگی و در اعتراض به جهنمی که حاکمان اسلامی سرمایه برایشان رقم زده اند منتشر کردند. دولت، نماینده کارفرمایان و سازمان دست ساز کارگری دولت با تعیین ۲۵ درصد بنام افزایش دستمزد عملاً به طومار سی هزار امضای کارگران دهن کجی کردند.

برای یکسال ۲۵ درصد افزایش دستمزد تعیین می کنند و از آنسو روزانه قیمت اساسی ترین

مردم باید بعنوان پرچم اعتراض برافراشته شود. کلید برگزاری يك اول مه قدرتمند و با شکوه و تعرض به وضع فلاکتبار موجود در گرو صف متحد کارگران، همبستگی محکم در میان فعالین و تمامی تشکلهای کارگری و بسیج توده های هرچه وسیعتر در جامعه است. اول مه صدای اعتراض تهیدستان، صدای اعتراض بردگان مزدی و میلیونها انسان به این همه ستم و نابرابریها است.

گرامیداشت اول مه با ابتکار و دخالت اکتیو فعالین کارگری و شرکت همه کارگران و مردم ستمدیده در شهرهای کردستان و اعلام مطالبات انسانی در قطعنامه های این روز، امید به آینده ای بهتر را به مردم نوید خواهد داد. اول مه روز اعلام کیفرخواست ما کارگران علیه سود و سرمایه، علیه مشتی دزد و چپاولگر و علیه دستمزدهای زیر خط فقر است. شهرهای کردستان و بویژه سنندج تاریخا مهر خود را بر این روز کوبیده است. تجارب و دستاوردهای گذشته می تواند هموار کننده باشکوهترین اول مه در سنندج باشد. اول مه روزی است که باید با همت فعالین و تشکلهای کارگری، کل جامعه را بحرکت در آورد و برای تحقق و مطالبه خواستههایمان با تجمع و گردهمایی های باشکوه و گسترده در میادین، خیابانها، پارکها و هر جایی که امکان آن هست گسترده تر از سالهای قبل بمیدان بیائیم. در این روز خواست بنیادی میلیونها کارگر و مردم بستوده آمده تغییر اساسی و پایه ای وضع موجود است.

۹ آوریل ۲۰۱۳

## از صفحه ۱ زنده باد اول مه ...

تحمیل کرده، و خیل زندانبانان و شکنجه گران و جاسوسانش را نیز برای تداوم این شرایط علیه ما و همه مردم محروم و معترض بسیج کرده است.

## کارگران!

در اول مه میلیونی و سراسری به خیابان بیایید! يك اول مه میلیونی و سراسری لرزه مرگ بر کاخ حاکمین می اندازد و به کل صفوف خود ما نیز نیروی عظیم مان را که گلوگاه این جامعه را در

دستان خود داریم یادآور میشود. حاکمین ارتجاعی اسلامی در رقابت قدرت و ثروت بیش از هرزمان به جان هم افتاده اند و در انزوای کامل بین المللی چشم اندازی برای آینده ندارند. يك اول مه میلیونی ضربه ای کاری به حکومت اسلامی سرمایه داران وارد خواهد کرد. باید این نظم ضد انسانی را تماما زیر و رو کرد و نه فقط کارگران بلکه همه مردم را از دست دزدان وحشی و مرتجع سرمایه دار و میلیاردر رها نمود.

اول مه روز اعلام کیفرخواست کارگران علیه کل دنیای سرمایه داری و روز فراخواندن اکثریت عظیم مردم بزیر پرچم

زنده باد سوسیالیسم  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ فروردین ۱۳۹۲  
۸ آوریل ۲۰۱۳



حزب کمونیست کارگری خود را در اندوه بستگان قربانیان زلزله بوشهر شریک میداند، صمیمانه به آنها تسلیت میگوید و از مردم بوشهر و استانهای اطراف و از مردم در سراسر کشور میخواهد فوراً و با تمام قوا به یاری مردم زلزله زده بشتابند، کمک های خود را مستقیماً به آنها برسانند و با اعتراض خود، حکومت اسلامی را وادار کنند امکانات بیشتری به نجات مردم، مداوای مجروحین و بازسازی خانه های مردم کند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ فروردین ۱۳۹۲  
۹ آوریل ۲۰۱۳

عملیات تجسس را خاتمه دادند و مردم زیادی زیر آوار جان دادند. در زلزله ورزقان این مردم شریف آذربایجان و سایر نقاط ایران بودند که بیشترین کمک ها را به مردم رساندند و رژیم از همان ابتدا نیروهای سرکوش را به منطقه اعزام کرد تا جلو کمک های مردمی را بگیرد، دهها نفر را دستگیر کرد و مردم را در سرمای کشنده منطقه بحال خود واگذاشت. اولین اقدام رژیم در بوشهر نیز اعزام نیروهای سرکوشگر به منطقه و پایان دادن به تجسس بوده است.

## فورا به یاری مردم زلزله زده بوشهر بشتابیم

جمهوری اسلامی نه آمار واقعی میدهد و نه بدون فشار مردم کمک موثری به مردم آسیب دیده میرساند. یکی از مقامات حکومت بیشرمانه اعلام کرده است که تعداد قربانیان بالا نیست گوئی نزدیک به هزار کشته و زخمی، حتی اگر آمار اعلام شده صحت داشته باشد، تعداد قابل توجهی نیست. آخرین زلزله قبل از بوشهر، زلزله ورزقان در آذربایجان بود که مقامات تعداد تلفات را از مردم پنهان کردند و بلافاصله

متأسفانه عصر امروز زلزله ای شش ریشتری در چندین شهر استان بوشهر خسارات جانی و مالی سنگینی به مردم وارد کرد. مقامات رژیم از حدود ۴۰ کشته و ۹۰۰ مجروح خبر میدهند و میتوان حدس زد که تعداد قربانیان بسیار بیشتر از این ارقام است. شهرهای خورموج، کاکلی و دشتی از مراکز اصلی زمین لرزه بوده و در نقاطی مانند بخش شنبه ۹۰ درصد خانه ها ویران شده است.

از صفحه ۱ **فدرالیسم طرحی برای ...**

یک مبارزه بر حقی است برای به دست آوردن حقوق پایمال شده. شاید ملموس ترین این حقوق، حق تکلم به زبان مادری است که با پایمال شدن آن فرد اجازه ندارد حتی بطور طبیعی به زبان مادری خود با محیط پیرامونی اش تماس حاصل کند و در آن رشد کند. هر کس که در جایی مثل تبریز، سنندج، اهواز، ارومیه، گنبد کاووس و مهاباد و غیره به دنیا آمده باشد این موضوع را با پوست و گوشت لمس کرده است. منتها احزاب و جریاناتی که ادعای مبارزه برای رفع ستم ملی می کنند، لزوما در ادعایشان صادق نیستند. من

**ایسکرا:** از نظر سیاسی و

تاریخی تفاوت‌هایی مابین ساختارهای فدرالی فی الحال موجود در بعضی از کشورهای غربی با آنچه که مدافعین فدرالیسم در جایی مثل کردستان ایران می خواهند بدست بیاورند وجود دارد. آیا شما به این تفاوتها نه از جنبه تشویک مسئله بلکه بلحاظ سیاسی، اجتماعی و تاریخی قائل به این تفاوتها هستید؟

**ناصر اصغری:** سیستمهای

موجود فدرالی با کمی تفاوت و کمی رقیق بودن این تنفر، در واقع نقش همان دیوار مثال بالا را دارند. دیدیم که چگونه در کشوری مثل یوگسلاوی این دیوار کشیدن‌های کذائی چه کشت و کشتار و خونریزی‌هایی را در خود ذخیره داشتند و چه قتل‌عامهایی راه افتاد.

ما در کنار نمونه یوگسلاوی، نمونه‌هایی مثل کانادا، آمریکا، سوئیس، آلمان و غیره را هم داریم که ظاهراً قضیه فدرالیسم در آنجاها به گونه دیگری است. وقتی که با فدرالیست‌چی‌های ایرانی بحث می کنید ظاهراً مدل نوع دوم را برای ایران می خواهند. من اطلاع دقیقی از نمونه‌های نوع سوئیس و آلمان ندارم؛ اما لازم است که درباره فدرالیسم در کانادا و آمریکا کمی صحبت کنیم که این حساب فدرالیست‌چی‌های ایرانی هم بترکد. ستم ملی در آمریکا هیچوقت حل نشد. در جنگ‌هایی که انگلیس در آمریکا. در زمانی که این بخش از کره خاکی مستعمره انگلیس، فرانسه و اسپانیا بود. بر علیه اسپانیا و فرانسه به پیش برد و آن دو کشور را شکست داد، مناطق اسپانیائی زبان مثل ایالت فلوریدا و مناطق فرانسوی زبان بعنوان جزئی از ملزومات صلح به بریتانیا داده شدند. با شرایط سهیم شدن در قدرت زمانداران ایالات و مناطق به تصرف بریتانیا در آمده، زبان و فرهنگ فرانسوی و اسپانیائی کاملاً حاشیه‌ای شد. هنوز هستند جاها و شهرهایی در ایالات متحده آمریکا که مردم آنجا ابتدا انگلیسی نمی

کردستان چند سال اول را باید با زبان غیر از زبانی که با مادرش تکلم می کند، درس بخواند و کلی عقب می ماند.

بهرحال امروزه ایالات متحده آمریکا که یک سیستم فدرالی است، مبنای فدرالیسمش نه قومیت و نژاد، که مبنای آن ایالات است مثل هر استانی در ایران و پاکستان و یا سوئد و غیره. اما طرح فدرالی فدرالیست‌چی‌های ایران، مبنایش اقوامی است که قرار است بر مبنای آن ایران به چندین فدرال بر مبنای این قومیتها، مثل فدرال کردستان، فدرال آذربایجان، فدرال عربستان، فدرال بلوچستان و شاید یکی دو قوم ساختگی دیگر هم، می باشد. این همان دیوار کشیدن‌هایی است که تعریفش بالاتر رفت.

نمونه فدرال کانادا برای بحث امروز ما حتی آموزنده تر است. در کانادا ایالتی فرانسوی زبان داریم که خود را بر مبنای ملل اروپا و فرهنگ اروپائی تعریف کرده است. زبان رسمی این ایالت فرانسوی است اما هیچ انگلیسی‌زبانی و یا غیرفرانسوی‌زبانی احساس راحتی و امنیت در این استان نمی کند. مغازه‌ها قانوناً حق ندارند تابلوهای انگلیسی بر درب مغازه‌هایشان نصب کنند. قریب به اتفاق مردم فرانسوی زبان این ایالت به زبان انگلیسی هم تسلط دارند، اما کسی جوابت را به انگلیسی نمی دهد. دولت فدرال این ایالت شرایط و فرهنگی را دامن زده و زنده نگه داشته است که هر کس فکر می کند آنور مرزهای این ایالت، فرانسوی زبانها را زنده زنده پوست می کند و کبابشان می کنند! حالا چون اینها فعلاً مثل ملا حسنی و حزب دمکرات کردستان در نطقه شکم زنان حامله را پاره نکرده‌اند، ظاهراً این سیستم آنجا باید سرمشق مردم ایران باشد!

**ایسکرا:** هدف جریانات فدرال

خواه ایجاد محدوده‌ای جغرافیایی و قومی است که بر بستر آن خود را به قدرت و حاکمیت برسانند. برای مثال اگر اکثریت مردم کردستان ایران که این جریانات داعیه‌ای رفع ستم ملی بر آنها دارند خواهان سیستم فدرال مورد نظر آنان نباشند، فکر می کنید این جریانات دست از تلاش برای تحمیل ساختار فدرالی

خود خواهند کشید؟ یا اینکه دنبال طرح‌های دیگری خواهند رفت؟

**ناصر اصغری:** اینها به نظر من

ظرفیت هر چیزی را دارند. هرچه فضای سیاسی آلوده باشد و ستم ملی تداوم پیدا کند، اینها میدان ابراز وجود برایشان باقی خواهد ماند. اما اگر ستم ملی جواب بگیرد، اینها هم مثل ویروسهایی که زمینه رشدشان خشکیده، زحمتشان را کم خواهند کرد. ما اینها را خوب می شناسیم و ظرفیتهای آدم‌کشی اینها را تجربه کرده ایم. کسانی که حاضرند بر تانکها و بمب افکنهای ناتو سوار شده تا راه نشانشان بدهند، با هر بادی موضع عوض می کنند. همین کسانی که امروز در کردستان فدرالیست هستند و در اتاق انتظار مأمور دسته چند کاخ سفید منتظر قرار ملاقات می نشینند، دیروز از سوسیالیسم نوع روسی حرف می زدند. اشتباه است اگر کسی فکر کند که اینها به آراء مردم کردستان مراجعه می کنند و بر مبنای این آراء تاکتیک و استراتژی تعیین خواهند کرد. از ناتو خواستند برایشان "منطقه امن" ایجاد کند. پشت پرده و کاملاً مخفیانه و بدور از چشم جامعه با مأموران رژیم اسلامی گفتگو کردند و سرشان را بر باد دادند. شما هیچوقت شاهد این نبوده اید که جلوی یک اعتراض مترقی در جامعه قرار گرفته باشند. در زد و بندهای آخوند و ملای ده دست داشته‌اند. بی حقوقی زن در آن جامعه مشککشان نبوده. بی حقوقی کارگر در آن جامعه مشککشان نبوده. هیچ اعتراض مدرن امروزی را نمی توان با اینها تداعی کرد. در اردوگاههایشان بر علیه همدیگر چاقو کشی کردند. می خواهم بگویم که اینها گامها از متد و شیوه‌هایی سالم که مردم در کردستان امروز سیاست می کنند، عقب هستند.

اینکه اگر مردم دست رد بر طرح‌های اینها زدند آیا باز هم به مزاحمت‌هایشان ادامه خواهند داد یا نه، من فکر می کنم که زمینه تلاشهایشان از بین می رود و اینها هم حاشیه‌ای می شوند. اما نباید ایجاد مزاحمت کردهای آنها را به شیوه‌هایی دیگر ابداً دست کم گرفت!

**ایسکرا:** رفع ستم ملی و حل مسئله کرد دو موضوع جداگانه در یک کاتاکوری است. پاسخ شما به این دو جنبه از حل نهایی مسئله ملی چیست؟

**ناصر اصغری:** ستم ملی در

کردستان یک واقعیت تاریخی است که همچنان زندگی را بر مردم این نقطه از دنیا تلخ کرده است. این مسئله که هر گونه اعتراض به این موضوع را با سرکوبیهای خونین روبرو ساخته است جامعه کردستان را در هر چهار پارچه ترکیه، ایران، عراق و سوریه از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به جاهای دیگر کشورهای مربوطه کلی عقب نگه داشته است. کردها قانوناً در هیچکدام از کشورهای نامبرده بعنوان شهروندان برابر به حساب نمی آیند. یا ترکهای کوهی هستند، یا در شناسنامه‌هایشان رسماً نوشته می شود که کرد (غیرعرب که شهروند درجه اول است) هستند؛ و یا در جایی مثل ایران بعنوان مردمانی که دارای لهجه‌هایی از فارسی و یا فرهنگ رشد نکرده فارسی قدیمی هستند که به مرور زمان قرار است از بین برود. همه اینها می خواهند بر این پافشاری کنند که تو با "شهروندان درجه اول" برابر نیستی و ما اربابان شما می خواهیم شما را به زور وادار به قبول این شرایطی کنیم که ما می خواهیم.

گام اول در برانداختن ستم ملی به وجود آوردن شرایطی است که همه انسانها دارای حقوقی برابر باشند. حداقل این شرایط به نظر من این است که قانونی باشد که همه شهروندان جامعه را در برابر قانون برابر بداند و این قانون را اعمال بکند. این اما با جامعه‌ای انسانی و سوسیالیستی گامها فاصله دارد، منتها گام مهمی است در راه بر انداختن ستم ملی. تا این مسئله حل نشود و ستم ملی همچنان تداوم داشته باشد، شاهد سر بر آوردن جریانات قوم پرستی خواهیم بود که حاضرند برای سهیم شدن در قدرت دست به هر جنایتی بزنند.

اشاره به نکته دیگری شاید در خلال جواب به همین سؤال لازم باشد. در این میان معمولاً چنین به نظر می رسد که نیروها و جریانات ناسیونالیست و قوم پرست نمایندگان

## درباره "انتخابات" خرداد ۹۲



دخالت فعال در اوضاع سیاسی، تعرض به رژیم و مهندسی انقلاب خود علیه کل جمهوری اسلامی خواهد بود.

جمهوری اسلامی از لحاظ

اقتصادی فروپاشیده است. اسلام سیاسی در پی انقلاب ۸۸ و انقلابات مصر و تونس ورشکسته شده و جمهوری اسلامی از لحاظ بین المللی منزوی تر شده و تحت محاصره و تحریم های شدید است. نزاع های درونی جمهوری اسلامی از هر زمان حادث تر و آشتی ناپذیرتر شده است. ساختارهای جمهوری اسلامی پوک تر از هر زمان شده و جایگاه خامنه ای بشدت لطمه خورده است. زبان دیالوگ بین حضرات زندان و حصر و تهدید و رو کردن دزدی ها و کثافتکاری های یکدیگر است. بار همه این بحرانها و بن بست های لاعلاج جمهوری اسلامی بر دوش کارگران و مردم است که برای نفس بقاء خود باید رژیم اسلامی را از سر راه بردارند. "انتخابات ۹۲" در چنین شرایطی برپا میشود که بطور قطع قابل ادامه نیست. شرایط چنان طاقت فرسا و خشم و انزجار از جمهوری اسلامی چنان بالاست که جامعه میتواند حتی قبل از "انتخابات" منفجر شود. ایضا هر کشاکش و شکافی در بالا میتواند همچون جرقه ای در انبار باروت عمل کند. اما حتی اگر رژیم قادر باشد "انتخابات" را "مهندسی" کند و آنرا از سر بگذراند قادر به حل بحرانی که سراپای وجودش را فراگرفته است نخواهد بود.

سیر تحولات هرچه باشد در این تردیدی نیست که جامعه آستان

تحولات زیر و رو کننده ای است. باید به استقبال این شرایط رفت. دارو دسته های حکومت مشغول مهندسی انتخابات هستند اما انتخاب مردم سرنگونی رژیم است، امر توده مردم "مهندسی" انقلاب و شکل دادن به یک حرکت متحد و متشکل برای بریز کشیدن حکومت است. فعالین و نهادهای جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی باید هر چه متحد تر و متشکل تر و با خواسته های روشن و رادیکال در عرصه های مختلف به میدان بیایند. جمهوری اسلامی با تحمیل فقر و گرانی و بی تامينی اقتصادی بر بخش وسیعی از جامعه، با افزایش اعدامها و پیگرد و بازداشت فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی، با دریغ داشتن یک زندگی شاد و مدرن و انسانی از جوانان، و با تحمیل بیشترین تضییقات و بی حقوقی ها به زنان، اکثریت قریب به اتفاق مردم را علیه خود بسیج کرده و زمینه های یک انفجار اجتماعی علیه خود را بوجود آورده است. باید در همه این عرصه ها بمیدان آمد و مبارزات و اعتراضات پیگیری را علیه جمهوری اسلامی سازمان داد و به پیش برد.

حزب ما با تمام نیرو و امکانات خود برای پیشبرد امر انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی تلاش میکند و کلیه نیروهای انقلابی و فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی را به مبارزه ای متشکل و متحد برای بریز کشیدن حکومت اسلامی و برپائی جامعه آزاد و برابر و مرفه فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ فروردین ۱۳۹۲

۴ آوریل ۲۰۱۳

## از صفحه ۳ فدرالیسم طرحی برای ...

مردم کرد زبان هستند و جریان و حزب دیگری مشغول مبارزه برای رفع ستم ملی نیست. هر انسانی که روزانه نیم ساعت صرف خواندن اخبار و مسائل روز بکند، می داند که در عالم واقع چنین نیست. اما چنین به نظر می رسد برای اینکه اینها برای سهم شدن در قدرت حاضرند با دولتها زد و بند بکنند و زیر نورافکن قرار بگیرند بدون اینکه امتیازی واقعی به خود مردم کرد زبان داده شود. واقعا باندی که در بین نیروهای سیاسی در کردستان ایران به نام "زحمتکشان" شناخته شده است، چقدر در جامعه کردستان ایران ریشه دارد و چقدر به حتی پیش پافتاده ترین مطالبه مردم کرد زبان ربط دارد که رادیو و تلویزیون

\*\*\*

## سه تن از فعالین کارگری ...

از صفحه ۱



۱۹ فروردین سه تن از این کارگران به اسامی خالد حسینی، وفا قادری و حامد محمود نژاد که از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری هستند، ساعتی پیش در قبال وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند. آزادی این عزیزان را به آنها، به خانواده هایشان، به کمیته پیگیری و به همگان تبریک میگویم.

این کارگران در هفده اسفنده گذشته دستگیر و جرم آنان دفاع از حقوق بر حق کارگران و تلاش برای برگزاری هشت مارس روز جهانی زن در شهر سنندج بوده است. طی مدت بازداشت این کارگران، خانواده های آنان با تجمعات هر روزه خود پیگیر وضع عزیزان خود بوده و برای آزادی آنان تلاش کردند. همچنین دستگیری این کارگران با اعتراضات گسترده ای از سوی تشکل های مختلف کارگری و فعالین شناخته شده کارگری در ایران روپرو شد.

۱۹ فروردین ۹۲

۸ آوریل ۲۰۱۳

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شلا دانشفر

Shahla daneshfar@ yahoo.com

بهرام سروش

Bahram.Soroush@g mail.com

http://free-them-now.blogspot.com

گفتنی است که سه نفر دیگر

از فعالین کارگری و از اعضای

**توجه توجه**  
**بر نامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید**

**مجری برنامه : پدی محمودی**

**این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۳:۳۰ تا ۷:۳۰ شب به وقت ایران و ۲ تا ۵ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود**

**مشخصات ماهواره: KURD KANNEL**

**هات برد ۸**

**ترانسپوندر ۱۵۵**

**فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی**

**اف ای سی ۵/۶**

**سیمبل ریت ۲۷۵۰۰**

## گزارشی از مراسم گرامیداشت و خاکسپاری رفیق عطاء محمد نژاد در شهر کیل آلمان



احمد رحمانی

جمعه ۵ آپریل ۲۰۱۳ به همراه تعدادی از دوستان عطا محمدنژاد به طرف شهر کیل آلمان حرکت کردیم. مراسم بزرگداشت رفیق عطاء محمد نژاد ساعت ۱۲ آغاز میشد. ما با طی کردن مسافتی حدود ۶۰۰ کیلومتر راه با آندوه از دست دادن این عزیزساعت ۱۱ صبح به آنجا رسیدیم. بعد از لحظاتی با ازدحام جمعیت زیادی از دوستان، همکاران و رفقای عطاء که از سوئد و از شهرهای آلمان و نقاط مختلف دیگر به شهر کیل آلمان آمده بودند مواجه شدیم.

رفیق عطاء انسانی دوست داشتنی، کمونیست و منتقد سر سخت مذهب و مخالف جمهوری اسلامی بود که چهره انسانیش برای همه شناخته شده بود و قلبش برای طبقه کارگر و زحمتکش می تپید. اما متأسفانه اکنون این قلب مهربان و انسان دوست برای همیشه از تپش باز ایستاده بود.

مراسم در ساعت ۱۲ در گورستان مرکزی شهر کیل آلمان شروع شد. حاضرین طی راهپیمایی با شکوهی پیکر این عزیز از دست رفته را بدرقه کردند. محمد آسنگران یکی از رفقای قدیمی عطا سخنرانی کوتاهی کرد و از نقش و جایگاه عطا و توصیه های او گفت. او همچنین از حاضرین خواست که برای احترام به عطا گریه نکنند بلکه راه و آرمانهای پر افتخار او که همانا مبارزه با نابرابری و بیعدالتی در جامعه بود را تقویت نمایند. او تاکید کرد که بهترین گرامیداشت برای عطا ادامه دادن راه و سیاستی است که عطا تمام عمر مفیدش را صرف آن کرد. جمعیت حاضر پس از مراسم خاکسپاری و همدردی با نزدیکانش بطرف سالن مراسم که قبلاً در نظر گرفته شده بود راه افتادند.

مراسم گرامیداشت عطا محمد نژاد در يك سالن و رستوران بزرگ شهر کیل برگزار شد. نسان نودینیان با اعلام يك دقیقه سکوت به یاد عطا ی عزیز و همه جانبباختگان راه آزادی و سوسالیسم مراسم را آغاز کرد. جمعیتی که به احترام عطا به پا خاسته و سکوت کرده بودند با صدای سرود انترناسیونال سکوتشان را شکستند. نسان نودینیان در ابتدای مراسم از خصوصیات فردی و انسانی عطا، برای حاضرین صحبت کردند. یکی از دوستان عطا، خانم سحر یکی از مجریان بود که برای دوستانی که آلمانی بودند و در این مراسم حضور داشتند صحبت ها را ترجمه میکرد.

اولین سخنران این مراسم رحیم یزدانپرست بود که از نزدیک عطا را میشناخت. او از دوران نوجوانی و دوره ای که هر دوی آنها به عنوان پیشمرگ در صف کومه له بودند و از دورانی که در حزب کمونیست کارگری فعالیت هماهنگی را پیش میبردند و از خصوصیات برجسته عطا برای حاضرین گفت.

سخنران دوم محمد آسنگران بعنوان کسی که عطاء را از همان اوایل دهه ۶۰ میشناخت و در سالهای اخیر رابطه نزدیکی با او داشت و از نزدیک با فعالیتهای عطا آشنا بود از جوانب مختلف فعالیت درخشان رفیق عطا گفت. او تاکید کرد که عطا خصوصیات برجسته ای داشت و همه آن خصوصیات را در خدمت اهدافی قرار داده بود که تمام عمر برای آن اهداف تلاش کرده بود. اهدافی کمونیستی که عطا آنرا ممکن و عملی میدانست و در این راه تمام تلاشش را کرد، اما مرگ نابهنگام متأسفانه او را از ما گرفت.

بعد از صحبت های محمد آسنگران همچنین تعدادی از دوستان و همکاران این عزیز از شخصیت کاری، اجتماعی و مبارزاتی برای شرکت کنندگان در مراسم شرح کوتاهی بیان کردند که هر کدام از

حاضرین با شنیدن فرازی دیگر از شخصیت پر از محبت، انسانی عطاء، آه از سینه بر آورده و اشکی از دیدگانشان جاری میشد.

سخنرانان ضمن تسلیت و اعلام همدردی با بستگان و دوستان عطا از خصوصیات انسانی و مهربان عطا گفتند. این خصوصیات که از زوایانی مختلفی و از زبان دوستان و رفقای متعدد عطا بیان شد، نشان دهند شخصیت انسانی او و مرآه گرم و بی آرایش و اجتماعی عطا بود. یکی از دوستان نزدیک و ساکن شهر کیل در بخش خاطره و کلامهای ماندنی گفت: "از انقلاب و انقلابی بودن عطا گفتید، ما از روزهای سه شنبه در دیسکوی رقص میگوئیم که هر هفته او را میبیدیم، و ساعتها صحبت میکردیم، رقص و شادی و خنده تا پاسی از شب لحظات شیرین او در قلب ما که ماندنی است، میگوئیم! خانم جوانی که در سالن ورزش همکار عطا بود از لحظات شیرین و بیاد ماندنی چهره مهربان عطا هنگام ورزش گفت و یکی دیگر از رفقای از خاطرات دورانی که در صفوف حزب کمونیست ایران بود و دیگری از مناسباتش با همکارانش در محل کار و ..... همگی گوشه هایی از خصوصیات برجسته و دوست داشتنی عطا را بیان میکردند.

مراسم حدود ۲ ساعت بطول انجامید که در طول این مدت فضای این مراسم مملو از یاد آوری خاطره ها و نقش مدرن و جا افتاده عطا بود.

در پایان مراسم، خانم دنیا ارجمند رفیق نزدیک عطا از همه حاضرین تشکر کردند. شرکت کنندگان با دلی اندوهگین و تأسف بخاطر نبودن این عزیز در جمعشان محل مراسم را ترک کردند.

یاد عزیز عطا محمدنژاد گرامی و راهش پر رهرو باد

\*\*\*



## نگاه هفته

### مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



"سالانه ده ها نفر از زحمتکشان مناطق مرزی ایران - عراق مورد حمله جنایتکارانه مزدوران جمهوری اسلامی قرار میگیرند. اما سالانه ۳ میلیون و ۱۳۵ هزارتن کالاهای تولیدی از شهرهای کردستان به عراق صادر میشود. این کالاها شامل محصولات کشاورزی، لوازم خانگی، محصولات غذایی و دارویی، مصالح ساختمانی، لوازم صنعتی، پوشاک و منسوجات، میباشند. بگفته مزدوران جمهوری اسلامی ۶۹۱ میلیون دلار ارزش درآمد دولت است. در سال ۱۳۹۱ درآمد مرز مشترک بانه و عراق با رشد ۴ درصد با ۸۹ میلیون دلار بوده است. ایران و عراق ۲۳۰ کیلومتر مرز مشترک دارند. درآمدهای میلیونی از کانال مافیای اقتصادی و نیروهای امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی در مرزها هر روز بر تعداد مولتی میلیونها میافزاید. در عوض تعدادی از زحمتکشان که در دایره بیکاری قرار دارند برای تامین زندگی و تامین معیشت زندگی شان ناچارند در کوه و کمرهای صعب العبور مناطق مرزی با حمل کوله بار درآمد ناچیزی را بدست آورند، هر روز مورد حمله جنایتکاران و مزدوران نظام کثیف و جنایتکار جمهوری اسلامی قرار میگیرند، و جانشان را از دست میدهند. مافیای اقتصادی و مولتی میلیونها در کردستان همراه مزدوران باید بدانند در فردای نه چندان دور سرنوشتی نظام کثیف اسلامی، در مقابل اعمال سرکوب و جنایت و بی عدالتی و سودجویی فرعونی شان جوبگو باشند!"

#### سردشت ۱۹ فروردین:

جریان حمله مزدوران رژیم به یک کاروان از کاسبکاران مرزی به نام هاشم کریم پور ۲۱ ساله اهل روستای "گوزلی" در منطقه "سیران بند" بانه جان خود را از دست داد.

#### سنندج:

باالخره تداوم اعتراض آزادی کارگران زندانی به ثمر رسید. ۱۹ فروردین ۳ نفر از

ارتفاع و مصدومیت شدید وی شد. "وفا معین دوست"، ۲۵ ساله اهل شهر سقز به هنگام کار کردن از طبقه پنجم يك ساختمان در حال احداث سقوط و به شدت مصدوم می شود. معین دوست به دلیل وخامت وضعیت جسمانی پس از انتقال به بیمارستان سقز و انجام چندین مورد عمل جراحی، برای مداوای بیشتر به بیمارستان بعثت سنندج منتقل شده است. در همین رابطه پیشتر نیز، مورخه ی سوم فروردین ماه ۱۳۹۲، يك کارگر اهل مریوان به نام "حامی" به دلیل سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد. «کردستان میدیا»

**نودشه:** يك جوان حدوداً سی ساله به نام "صبور ایوبی" کارگر و فرزند "شوکت" در شهر "نودشه" پایه اقدام به خودکشی نمود و جان خود را از دست داد. صبور ایوبی به دلیل بیکاری و مشکلات خانوادگی در روز شنبه ۱۷ فروردین ماه اقدام به خودکشی نمود و متأسفانه جان خود را از دست داد. پیکر بی جان این کارگر در میان غم او اندوه اهالی نودشه به خاک سپرده شد.

**مهاباد:** يك ماه از بازداشت "خسرو و مسعود کردپور" این دو برادر تا کنون موفق به تماس با خانواده خود نشده و در بلائکلینی بسر می برند. خسرو کردپور در تاریخ ۱۷ اسفند ماه سال گذشته با مراجعه ماموران امنیتی به منزلش بازداشت شد و برادر وی مسعود کردپور نیز روز بعد که برای پیگیری پرونده وی به اداره اطلاعات مهاباد مراجعه کرده بود بازداشت گردید

**دیواندره:** بر پایه خبر دریافتی، روز ۱۳ فروردین ماه بر اثر تصادف ۲ دستگاه خودرو سواری پراید و پژو در گردنه "ماموخ" واقع در جاده سنندج - دیواندره ۴ تن از سرنشینان از اهالی روستای "بهارستان" واقع در حوزه "کانی نیمه" روزه "بنام های" صدیق شریفی، دلشاد شریفی، پریا شریفی و بهمن رشید آبادی "به علت شدت جراحات وارده بر اثر این تصادف متأسفانه در دم جانشان را از دست دادند.

سنندج: به گزارش کمیته هماهنگی، شرکت "معتبر" پیمانکار احداث تونل داخل شهری سنندج دستمزد، پاداش و عیدی سه ماه آخر سال ۱۳۹۱ کارگران شاغل در این شرکت را نپرداخته است. کارفرمایان

شرکت مذکور با گماردن شخصی به نام "مهدویان" به عنوان مدیر پروژه ها در کردستان به است شمار شدید کارگران می پردازند و هرگونه اعتراض کارگران را با اخراج پاسخ می دهند. کارگران سد ژاوه نیز تاکنون با چندین نوبت اخراج و بیکارسازی مواجه بوده اند. شایان ذکر است ۴۰ کارگر در پروژه احداث تونل شهری "خیابان سیروس" سنندج بطور شبانه روزی مشغول به کار هستند.

#### دیورستان "بهشتی" از هیچ گونه امکانات داخلی نیز برخوردار نمی باشد

**مریوان:** دیوارهای مدرسه دیورستان "بهشتی" شهر مریوان واقع در مرحله داریسیران ۲، به دلیل قدمت و عدم نوسازی، در حال تخریب است. یکی از دیوارهای این مدرسه در حال تخریب، در مسیر رفت و آمد شهروندان واقع شده است و این خطری برای سلامتی شهروندان محسوب می شود. به گفته یکی از دانش آموزان این مدرسه، دیورستان "بهشتی" از هیچ گونه امکانات داخلی نیز برخوردار نمی باشد و در این باره افزود: "زمستان گذشته این مدرسه از سیستم گرمایی محروم بوده است". این دانش آموز در ادامه سخنان خود گفت: "مسئولین مربوطه بودجهی دریافتی از سازمان آموزش و پرورش را صرف کارها و هزینه های شخصی خود می کنند و خود را در برابر بازسازی و نوسازی مدارس مسئول نمی دانند". قدمت زیاد مدارس، کمبود کلاس و فضای آموزشی در مدارس، دانش آموزان ایرانی را با مشکلات زیادی مواجه کرده است. در همین رابطه پیشتر نیز "سید الهوردی قریشی" رئیس اداره آموزش و پرورش سلماس در گفتگویی با خبرنگاری مهر گفته است: شصت و پنج مدرسه در سلماس، که شامل دویست و ۵۵ کلاس درس می باشد دارای قدمت بالای ۶۵ سال هستند. وی عنوان کرده بود: بیش از ۱۳ روستا از توابع این شهرستان فاقد فضای آموزشی کافی هستند و ۳۸ مدرسه در این شهرستان در وضعیت تخریبی قرار دارند. نامناسب بودن بنای مدارس در ایران در حالی است که بیشتر مدارس از سوی خیرین مدرسه ساز ساخته می شود و هیچ توجه و اهمیتی به مدارس فرسوده و قدیمی

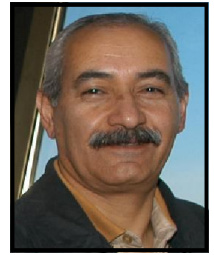
از سوی مسئولان اداری آموزش و پرورش این شهر داده نمی شود. پایان عمر مدارس جان دانش آموزان را با خطرات جدی روبرو ساخته است و بودجه لازم برای بازسازی و ساخت مدارس جدید در استان ارومیه اختصاص داده نشده است. «گزارش وبسایت کردستان میدیا»

#### بازداشت زنان در مناطق کردستان ایران

در سال ۹۱ جمعا ۷ زن در مناطق کردستان ایران توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی حکومت اسلامی ایران بازداشت شده اند. در ۲۰ تیرماه ادبیه کلاتتری از فعالین دانشجویی در شهر روانسر بازداشت و به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل گردید. یکی دیگر از فعالین دانشجویی شهر روانسر به نام نگین طیبی در روز "قدس" بیست و هشتم مرداد ۹۱ و پس از درگیری با نیروهای امنیتی حکومت اسلامی بازداشت و به کرمانشاه منتقل گردید. در همان روز يك زن دیگر در روانسر بازداشت شده است که هویتش نامعلوم می باشد. در اواخر آبان ماه ۳ فعال زن ساکن مشهد به نام های "محبوبه خبوشانی، مینا خبوشانی و بهناز رضا زاده" توسط نیروهای امنیتی حکومت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. این ۳ زن اهل شهرستان قوچان در خراسان رضوی و ساکن مشهد بودند.

#### احضار زنان از سوی دستگاه های امنیتی و قضایی

در اواخر تیر ماه، يك دختر جوان اهل کرمانشاه به نام "پریا. ع." از سوی ارگان پلیس اینترنتی این استان شناسایی شد. وی پس از شناسایی احضار گردیده و از سوی این نهاد نظامی مورد بازجویی قرار گرفته بود. وی که ۱۴ ساله می باشد در ویلاک خود با نوشتن مطالبی به انتقاد از وضعیت موجود جامعه پرداخته بود. پریا از سوی ارگان های مرتبط تهدید شده بود که در صورت ادامه فعالیت از ادامه تحصیل محروم خواهد شد. در روز يكشنبه هشتم آبانماه یکی از فعالین زن ساکن مشهد به نام گلی شادکام به حراست اداری فرهنگ و ارشاد مشهد احضار گردید. روز پنجم اسفند ماه، اداره اطلاعات مریوان "کژال هژبری" از ساکنین روستای



عبدل گلپریمان

## مختصری از تاریخ یک دوره / بخش چهارم

که باید نقشی را بازی کنم. به شخصی که می خواست مرا واری کند اعتراض کردم و هر دو مچ دست ضعیفش را گرفتم و با فریادی حق بجانب گفتم تو چکاره ای که می خواهی جیبهایم را بگردی؟ البته همانطور که گفتم این حرکت من بیشتر جنبه یک شوگرد را داشت و در یک آن به ذهنم رسید که این نقش را بازی کنم. گفتم تو دروغ میگی که از افراد کمیته هستی من بهت این اجازه را نمی دهم و بلافاصله ادامه دادم که افراد دیگری همین بلا را بر سر من آوردند و گفتند که عضو کمیته هستم و پولهای مرا دزدیده اند. حال می خواهم برای اینکه اطمینان حاصل کنم که شما راست می گوئی، لطفا کارت شناسائی ات را نشان بده ببینم درست می گوئی. این مجادله در حالی بود که بقیه هم قطارانش ناظر بودند. کارت شناسائی اش را از جیب درآورد و آنرا به من نشان داد و من کارت را از دستش گرفتم و الکی به آن خیره شدم یعنی می خواهم بدانم که اصل است یا جعلی. بعد از حدود سی ثانیه نگاه کردن به کارت شناسائی و رفتن با آن، آنرا بهش پس دادم و گفتم می بخشید شما کاملا درست می گوئید حالا اطمینان پیدا کردم که شما عضو کمیته هستید و دیگر نگرانی از بابت سرعت پولهایم ندارم بفرما جیب هایم را بگرد. او نیز فقط یکی از جیبهای مرا که حاوی مقداری پول بود نگاه کرد و درون آنرا مثل کتاب ورق زد. پیدا بود بدنبال شماره تلفن در لابلای اسکناسها می گردد. بعد از لحظه ای کوتاه و مشورت با یک نفر از همکارانش، برگشت و به من گفت شما می توانید بروید. واقعا خودم هم باور نداشتم که دست از سرم برداشته اند. اصلا باورکردنی نبود. فهمیدم پلنتیکی که زده بودم کار خودش را کرده است. آرام پولهایم را که از جیبم در آورده بودم از دست گرفتم و آنرا سر جای خودش گذاشتم و بسیار خونسرد و آرام ازشان دور شدم تا اینکه ۵۰ متر دورتر از آنها به سر کوجه ای رسیدم و اطمینان حاصل کردم که مرا تعقیب نمیکنند، بلافاصله و دور از چشم آنها با قدرت تمام پا به فرار گذاشتم. باور کنید اگر مسابقه

نشان داده است. علیرغم اینکه تجارب زیادی نداشتم، اما نسبت به جریانات و سازمانهای دیگر، در یک رابطه نسبتا اجتماعی کار می کردم. این را هم اضافه کنم که اوقاتی از وقت خود را برای مطالعه آثار کلاسیک و متون دیگر اختصاص می دادم. در منزل من در تهران یک جاسازی درست کرده بودم که بسیاری از آثار لنین و کاپیتال مارکس را در آن گذاشته بودم. برای رفع هر گونه مشکوکیت نیز درب اطراق را هیچگاه قفل نمی زدم. روزهای پنجشنبه معمولا طیب نزد من می آمد و اگر ایرج هم تصادفی سرویسی به تهران داشت، آن شب سه نفری دور هم در منزل من جمع میشدیم و در مورد سازماندهی سرویس های بعدی نیازهای تدارکاتی و شیوه های درست و مطمئن انتقال آن به سندی صحبت می کردیم. اوقاتی را هم به بحث و مطالعه آثار لنین در مورد انقلاب اکتبر و همچنین متون دیگر اختصاص می دادیم.



افراد دانشجویی لایوان در تهران همراه با سیمک (دائیم) (۱۳۵۷)

اینجا یادی از عزیزانی دیگر بکنم. یکی دیگر از رفقای که بعدها در صف نیروی مسلح کومه له جان باخت، رفیق سیامک دانایی بود. سال ۵۹ سیامک در دانشسرای لایوان تهران به ادامه تحصیل مشغول بود. به خاطر آشنایی که با همدیگر داشتیم و اینکه گرایش سیاسی به کومه له داشت، که گاهی ما به محل خوابگاه دعوت میکرد و به دیدنش می رفتم و در خوابگاه دانشسرا تا پاسی از شب همراه با هم کلاسی هایش، به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل سیاسی مطرح در آن دوره می پرداختیم. موافقی او هم برای دیدار با من سری به شرکت میزد. یاد سیامک عزیز و دوست داشتنی گرامی باد.

در مورد عوامل ضربه پذیری می گفتم. یکی از عوامل ضربه پذیری فعالین و تشکلهای مختلف در آن دوره، بجز توحش رژیم تازه

بقدرت رسیده جمهوری اسلامی، بی ربطی سازمانها و فعالین چپ آن دوره، به کار زندگی اجتماعی مردم و مبارزات کارگری، همچنین فعالیت این جریانات در قالب صرفا تشکیلاتی در خود وبدون يك افق سیاسی منسجم و روشن بود. برای نمونه فعالین تشکیلاتی و غیر تشکیلاتی در درون جنبش اجتماعی مردم و در بستر جنبش کارگری وبدلیل مبارزه ای زنده در جامعه، از امنیت اجتماعی بالایی برخوردارند. این امر امروزه بیشتر در میان فعالین اعتراضات کارگری در سراسر ایران و در کردستان، کارایی و برای خود را نشان داده است. امروز دیگر رژیم اسلامی به سادگی قادر نیست که به بهانه های واهی و براحتی فعال کارگری را دستگیر و زندانی کند. هر جا هم که به چنین توحشی متوصل می شود، بلافاصله با اعتراض عمومی در میان بخشهای مختلف کارگری، خانواده هایشان و تشکلهای کارگری مواجه خواهد شد. عقب نشینی رژیم در آزاد کردن فعالین کارگری شرکت واحد و لغو احکام فعالین کارگری در شهرهای کردستان بخوبی گویای این امر است. اینها در این دوره از اعتراضات و مبارزات کارگری به يك سنت کارعلنی تبدیل شده است که سابقا از این سنتها خبری نبود. خصلت نمای ذاتی مبارزه و حرکت اعتراضات کارگری، يك مبارزه علنی و طبقاتی و همه گیر است که با اتکا به مکانیزمهای موجود نظیر اتحادیه و دیگر تشکلهای کارگری در جدال با دولت و کارفرمایان، طبیعی ترین ظرف مبارزه اش است. در تاریخ معاصر ایران و تا قبل از بازگرداندن ایران غیر کمونیست قرار داشته است که نه تنها امکان حضور مستقیم جنبش کارگری در عرصه اعتراض و مبارزه اجتماعی - طبقاتی را مسدود می کرد بلکه لطمات زیادی در به حاشیه راندن این مبارزات عینی و واقعی را نیز موجب گردیده بود.

ادامه دارد

## بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون ادامه اعتراضات به حداقل مزد مصوب

لغو مصوبه حداقل مزد و افزایش فوری دستمزدها تنها با اعتصاب و تجمعات اعتراضی ممکن و میسر است

در حالیکه از اول ماه مه سال گذشته کارگران ایران در اقدامی سراسری و با امضای طوماری اعتراضی خواهان افزایش فوری حداقل مزد شدند و در ادامه هماهنگ کنندگان این طومار در مقابل مجلس شورای اسلامی و سپس در محل وزارت کار با همراهی کارگران برخی کارخانه های تهران دست به تجمع اعتراضی زدند شورای عالی کار در آخرین روزهای سال گذشته حداقل مزد را به میزان بسیار ناچیز ۲۵ درصد افزایش داد و مبلغ ۴۸۷ هزار تومان را به عنوان حداقل مزد کارگران تعیین کرد.

این اقدام ننگین در باره زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری در شرایطی از سوی شورای عالی کار صورت گرفت که طی سال گذشته هزینه های زندگی به چندین برابر افزایش یافته بود و از اولین روزهای سال جدید سیر صعودی قیمتها همچنان ادامه داشته است. در مدت سه هفته ای که از آغاز سال جدید گذشته است قیمت انواع میوه چندین برابر شده است، قیمت گوشت در حال صعود است، هزینه مسکن سر به فلک زده است، از پایان فروردین ماه قیمت نان بار دیگر افزایش پیدا خواهد کرد، افزایش قیمت حاملهای انرژی بر روی میز دولت است و هزینه سایر مایحتاج اولیه زندگی توده های مردم ایران هر دم در حال فزونی است.

تحت چنین شرایط فلاتکتباری که هیچ چشمندازی نیز برای توقف افزایش چندین برابری هزینه های زندگی در طول ماههای آینده وجود ندارد، تمامی تشکلهای دست ساز دولتی و آتانی که امضای خود را در شورای عالی کار بر پای حداقل مزد ۴۸۷ هزار تومانی گذاشته اند با آغاز اولین روزهای کاری در سال جدید تبلیغات گسترده ای را در همسویی با نارضایتی شدید ما کارگران از مزد مصوب آغاز کرده

اند و بر این بستر در تلاشند تا با ترغیب کارگران به شکایت در دیوان عدالت اداری، خشم و انزجار ما از حداقل مزد مصوب را مهار کنند و با ارجاع کارگران به دالانهای دیوان عدالت اداری حداقل مزد مصوب را تا پایان سال جاری دست نخورده باقی بگذارند. اینان خود بیش از هر کسی نیک میدانند که رسیدگی به شکایات کارگری در دیوان عدالت اداری ماهها طول میکشد و تازه در صورت لغو مصوبه حداقل مزد از سوی این دیوان، ترتیب برگزاری جلسات شورای عالی کار و نتیجه گیری در این شورا چنان به درازا خواهد کشید که به ماههای پایانی سال نزدیک خواهیم شد و به این ترتیب حداقل مزد مصوب تا پایان سال دست نخورده باقی خواهد ماند و هیچ تجدید نظری در آن صورت نخواهد گرفت. این آن چیزی است که مطلوب دولت و کارفرمایان است و تشکلهای دست ساز دولتی ضمن همسویی با نارضایتی ما کارگران، اما همراه با دولت و کارفرمایان از طریق براه انداختن موج عظیم تبلیغاتی حول شکایت به دیوان عدالت اداری در صدد تضمین آن هستند.

کارگران و همکاران در سراسر کشور

معنای عملی شکایت از شورای عالی کار به دیوان عدالت اداری برای تجدید نظر در حداقل مزد چیزی جز حفظ حداقل مزد مصوب و تمکین به تحمیل فقر و گرسنگی مضاعف برای سالی دیگر بر ما کارگران نیست، نباید خود را اسیر شکایتی کنیم که تازه در صورت رای مثبت دیوان عدالت اداری به خواست مان، تحقق آن عملاً به پایان سال خواهد کشید و به این ترتیب ما کارگران ناچار خواهیم شد سالی پر از محنت و استیصال و در ماندگی برای گذران زندگی را در پیش رو داشته باشیم.

تنها راه برای به تمکین واداشتن دولت و کارفرمایان برای احترام گذاشتن به حرمت انسانی ما و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه

### از صفحه ۶ نگاه هفته

"بردهش" این شهرستان را احضار و ضمن بازجویی به وی اعلام کرده اند در اسرع وقت باید از شوهرش طلاق بگیرد. "کژال هژبری" همسر "علی دانش" می باشد که به علت فشار نهادهای امنیتی مجبور به خروج از کشور شده بود. در روز پنجشنبه یازدهم اسفند ماه نیز، شیوا گنجی همسر ماح نظری روزنامه نگار، که به علت فشارهای نیروهای امنیتی به ترک کرده بوده، به ستاد خبری اداری اطلاعات سنندج احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. شیوا گنجی به اتهام اطلاع رسانی از وضعیت مبهم همسرش و نیز گفت و گو با رسانه ها، مورد بازجویی قرار گرفته و از وی تعهد اخذ گردیده که در صورت تماس با رسانه ها، عواقب احتمالی چنین اقدامی متوجه شخص وی می باشد. در اواسط اسفندماه نیز، آذر طاهرآبادی از روزنامه نگاران ساکن کنگاور در استان کرمانشاه به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار شد. گفته می شود این فعال فرهنگی به دلیل انتشار مقاله و گزارش در هفته نامه ی غرب و آژانس خبری موکریان به تهران احضار شده است.

#### صدور حکم قضایی

صافییه صاقتی دختر ۲۳ ساله ساکن سلماس که در آبان ماه سال ۸۹ توسط نیروهای امنیتی

حکومت اسلامی ایران بازداشت شده بود، در روز بیست و نهم خردادماه به اتهام محاربه همکاری با احزاب گرداپوزسیون حکومت، از سوی دادگاه انقلاب شهر سنندج به تحمل ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. در تاریخ دهم آذرماه نیز "بفرین حاجتی" اهل مهاباد به دلیل بازی در یک فیلم تلویزیونی و پخش آن از یک کانال ماهواره ای در خارج از کشور، غیباً از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب مهاباد به چهار سال حبس محکوم گردید. وی به دلیل فشار نیروهای اطلاعات حکومت اسلامی ایران مجبور به خروج از کشور شده بود. در آذرماه نیز فاطمه پرویزی ۵۳ ساله از سوی نیروهای امنیتی شهر کرج بازداشت شد. وی در دادگاه انقلاب این شهر به اتهام بی احترامی و توهین به "سربازان گمنام امام زمان" به ۶ ماه حبس در زندان نوشهر محکوم کرده شد.

اداره اطلاعات آزادی وی را منوط به بازگشت پسر ایشان به ایران کرده است.

#### کمیته دارو و امکانات پزشکی مرگ ۴ زن

در تاریخ نهم مهرماه "گلاویز تقشبندی" ۳۲ ساله از ساکنین شهرستان سروآباد به علت تزریق اشتباه دارو از سوی پزشکان یکی از بیمارستان های سطح شهر سنندج جانش را از دست داد. در روز نوزدهم آبانماه نیز، شیرین خلقی در بیمارستان "محمد

رسول الله" جوانرود بعد از وضع حمل دچار خونریزی شدید شد کبھی توجهی پرستاران نسبت به این مسئله مرگ وی را در پی داشت. شیرین خلقی ۴۰ ساله از ساکنین روستای "بنچله" روانسر و مادر بود. در تاریخ هفتم بهمن ماه بی توجهی مسئولان بیمارستان "تامین اجتماعی" سنندج مرگ فرانک چوپانی را در پی داشت. وی از ساکنین شهر سنندج بود که نوزادش ساعتی قبل از زایمان جان سپرد، خود وی نیز به علت نبود مراقبتهای پزشکی جانش را از دست داد. در روز دوشنبه ۲۲ بهمن ماه نیز، شمسی رشیدی ۴۳ ساله، که دارای ۴ فرزند و از ساکنین روستای "آویهنگ" سنندج بود، به علت بالا رفتن فشار خون و نبود پزشک در روستا، در حین انتقال به سنندج جانش را از دست داد.

#### آمار زنانی که توسط وابستگان خود به قتل رسیده اند

بر پایهی آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار آژانس خبرسانی کردپا، طی سال ۹۱ چهارده زن در مناطق کردشین ایران به علل اختلافات خانوادگی و مسائل ناموسی توسط وابستگان نزدیک خود به قتل رسیده اند. در بسیاری از موارد خانواده ها و طایفه ها تحت عنوان "آبروداری" مرگ های ناشی از خودکشی را مرگ طبیعی اعلام می کنند.\*

اعتراضی برای رهایی از تحقیر معیشتی بر خواهیم داشت.

منزلت معیشت

حق مسلم ماست

زنده باد اتحاد و همبستگی

سراسری کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران -

بیستم فروردین ماه ۱۳۹۲

جمع آوری سی هزار امضا نشان دادیم که قادریم نیروی خود را یکی کنیم، نشان دادیم که میتوانیم در دفاع از هستی خود دست به اعتراض بزنیم، ما اولین گامهای مهم مان را برای اعتراضی متحدانه در سال گذشته برداشتیم و امسال نیز به یقین گامهای تعیین کننده تری را از طریق اعتصاب و تجمعات

اعتصاب و برگزاری تجمعات اعتراضی است، کسانی که در این مملکت حداقل مزد چهار برابر زیر خط فقر را شایسته ما کارگران میدانند باید بدانند که ما انسانیم و تن به هر ذلتی نخواهیم داد. اینان همگی در این مملکت زندگی میکنند و خود بهتر از ما میدانند که با ۴۸۷ هزار تومان بویژه در مراکز استانها حتی نمیتوان آلودگی را اجاره کرد. کجای دنیا از عقب مانده ترین تا پیشرفته ترین کشورها کارگران را به بهای اجاره الوکی بکار میگیرند که ما چنین ننگی را تحمل کنیم. ما در سال گذشته با

#### تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel:00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

#### همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

# مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!